

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

بیننده‌های عزیز شب جمعه‌ی آخر ماه رمضان بحث را می‌بینند. بحث رمضان ۹۱ در مازندران ضبط می‌شود و بیننده‌ها هم شب جمعه‌ی آخر ماه رمضان پای بحث هستند. فردا، روز قدس است. روز قدس به قول حضرت امام، روز اسلام است و روز حمایت از مظلوم است.

قدس برای مسلمان‌هاست و شیعه و سنی ندارد. ما هرکس مظلوم است باید از او حمایت کنیم، حتی اگر کافر باشد. کافر مظلوم هم باید از او حمایت کنیم. خداوند در سوره‌ی «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (تکویر/۱) می‌گوید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر/۸ و ۹) «الْمَوْءُودَةُ» یعنی دختری که زنده در گور می‌شود. «سُئِلَتْ» زمان جاهلیت دختر را زنده در گور می‌کردند، «سُئِلَتْ» سؤال می‌شود «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» این دختر چه گناهی کرده است؟

۱- روز قدس، روز حمایت از مظلومان

خوب مؤمنین که دختر را در گور نمی‌کردند، مشرکین دختر را در گور می‌کردند. اما چون این دختر مشرک مظلوم است خدا به نفع مظلوم سؤال می‌کند که «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» ما باید از مظلوم دفاع کنیم، چه مسلمان، چه غیر مسلمان. حالا لبنان که مسلمان شیعه هستند. فلسطین هم مسلمان اهل سنت، ولی چون اینها مظلوم هستند باید از اینها دفاع کنیم. و این راهپیمایی‌ها را رویش حساب باز کنیم. اسلحه‌ای که اسرائیل دارد و حمایتی که آمریکا دارد، اگر این حمایت‌های شما نبود، و لطف خدا از طریق این حمایت‌ها نبود، اسرائیل نابود می‌کرد، نابود می‌کرد.

زمانی که ما روز قدس نداشتیم، یک جنگی شد بین مصر و اسرائیل که آن زمان گفتند: جنگ اعراب و اسرائیل، شش روزه به جایی نرسیدند. ولی به خاطر همین حمایت‌ها یک چند هزار نفری سی و سه روز مقاومت کردند و اسرائیل را از پای درآوردند. مقاومت لبنان و فلسطین مقاومتی است در سایه‌ی این حمایت‌ها. این حمایت‌ها را ساده نگیرید. اگر سوزن شیرجه می‌رود در فاستونی به برکت نخ دُمش است. نخش را بکشی، سوزن کاری نمی‌تواند بکند. این حمایت‌ها، حماسه‌ها...

در مسجدها هم همینطور است. در مسجدها، باید مرگ بر آمریکا باشد. مرگ بر اسرائیل باشد. من یک مسجد رفتم، دیدم مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، نمی‌گویند. درود بر رزمندگان ندارند. بلند شدم گفتم: شما ۵۰ درصد مسلمان هستید. گفتند: چرا؟ گفتم: تابلوی مسلمان قرآن است. قرآن می‌گوید: باید بگویند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل. چون قرآن می‌گوید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح/۲۹) نسبت به کفار باید شدید باشید. «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بین خودی‌ها باید رحم داشته باشید. نسبت به بچه‌های فلسطین و لبنان باید محبت کنید. نسبت به آمریکا و اسرائیل باید «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ». بعد می‌گوییم: «تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا» (فتح/۲۹) بعد می‌گوید: رکوع و سجود، شما «رُكْعًا سَجْدًا» هست. یعنی رکوع و سجود می‌کنید، مسجدی که مرگ بر آمریکا نمی‌گوید، این مسجد ۵۰ درصد مسلمان هستند. یعنی نصف آیه را عمل می‌کنند و نصف آیه را عمل نمی‌کنند. قرآن می‌گوید: «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر/۹۱) یک عده قرآن را «عِضِينَ» تکه تکه می‌کنند. یک تکه‌اش را قبول می‌کنند، یک تکه‌اش را قبول نمی‌کنند. این حمایت باید باشد.

آیه‌ای که می‌گوید: این راهپیمایی‌ها عمل صالح است، سالهای قبل گفتیم. دیگر حالا، البته ممکن است بگویند: ما سالهای قبل نبودیم. همیشه که همه‌ی مردم پای تلویزیون نیستند. اگر پرسیدند: آقای قرائتی تو که معلم قرآن هستی، این راهپیمایی‌ها در کدام آیه است؟

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». می‌فرماید: «وَلَا يَطُؤُنَّ» (توبه/۱۲۰)، «وَطَأًا، يَطَأًا» یعنی قدم زدن، «وَلَا يَطُؤُنَّ مَوْطِنًا» یعنی حرکت نمی‌کنند، حرکت دسته جمعی، که «يَغِيظُ الْكُفَّارَ» حرکتی که کفار را به غیظ دریاورد، «إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ» (توبه/۱۲۰) هر حرکت دسته جمعی، «وَطَأًا، يَطَأًا» یعنی قدم زدن، «يَطُؤُنَّ» یعنی قدم نمی‌زنند، «لَا يَطُؤُنَّ» قدم نمی‌زنند که کفار به غیظ دریاوند، مگر اینکه در مقابل قدم زدنشان «كُتِبَ» نوشته می‌شود برای آنها، چه نوشته می‌شود؟ «عَمَلٌ صَالِحٌ». یعنی این راهپیمایی‌ها عمل صالح است. «وَلَا يَطُؤُنَّ مَوْطِنًا».

هر حرکت دسته جمعی که کفار را به غیظ بیاندازد برای آن حرکت عمل صالح نوشته می‌شود. ما یک عمری هم می‌خواندیم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر/۱-۳) عمل صالح چیه؟ عمل صالح یکی‌اش این است. عمل صالح یکی‌اش این است که انسان حرکتش، موضع‌گیری‌اش یک طوری باشد که کفار غیظ کنند. این مسأله‌ی مهمی است.

یک لطیفه‌ی قرآنی بگویم. فرق بین «يَغِيظُ» و «يَغْضِبُ» چیست؟ «يَغْضِبُ» یعنی غضب، نمی‌گوید: حرکت شما کفار را به غضب دریاورد. می‌گوید: کفار را به غیظ دریاورد. غیظ و غضب چه فرقی می‌کند؟ غضب یعنی عصبانیت. غیظ یعنی سر رفتن، یعنی پکیدن! یعنی باید یک طوری کنیم که کفار بپوکند. نه فقط ناراحت شوند، عبوس کنند، «يَغِيظُ»! و لذا در قرآن «غَضِبَ اللَّهُ» (نساء/۹۳) داریم. ولی «غاض الله» نداریم. چون خدا وجود بی‌نهایت است. وجود بی‌نهایت هیچ وقت سر نمی‌رود. وجود بی‌نهایت غضب می‌کند، ولی «يَغِيظُ» یعنی سر برود. منفجر شود. باید موضع‌گیری ما طوری باشد که کفار منفجر شوند، مثل همانطوری که منصور دوانقی گفت: امام صادق دارد من را منفجر می‌کند. یک استخوان است در گلوی من، نه می‌توانم قورتش بدهم، نه می‌توانم بیرونش بیاورم. اصلاً علت اینکه امامان ما را کشتند، چون امامان ما استخوانی بودند در گلوی طاغوت‌ها. تمام امامان ما را شهید کردند.

راهپیمایی قدس را «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» شرکت کنیم و شب جمعه‌ی آخر هم که بیننده‌ها بحث را گوش می‌دهند دیگر دارد در بسته می‌شود. یک جمله‌ای یاد آمد برایتان بگویم. در مناجات داریم «فَتَحَّتْ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَيَّ عَفْوِكَ سَمِيَّتُهُ التَّوْبَةُ» (بحارالانوار/ج ۹۱/ص ۱۴۲) خدایا «فَتَحَّتْ لِعِبَادِكَ بَابًا» یک بابی را فتح کردی، یک دری را باز کردی. اسمش را توبه گذاشتی، «فَمَا عُذْرٌ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ» درها باز شد، دیگر اگر کسی از این رمضان استفاده نکرد، مقصر کسی نیست.

گر گدا کاهل بود *** تقصیر صاحبخانه نیست

یک ماه رمضان به تو دادم، گفتیم: یک آیه قرآن خواندن ثواب یک ختم قرآن را دارد. میلیون‌ها میلیون آدم در ماه رمضان بخشیده شدند. تو بی‌عرضه بودی. هنوز تمام نشده، دو سه شب مانده، اگر بین خودتان و خدا حساب سال ندارید، حساب سال داشته باشید. لقمه‌ی حرام به بچه‌مان ندهیم. خمس بدهیم، زکات بدهیم. اگر دل کسی را رنجاندیم، دو سه شب مانده زنگ بزن،

خودت را بشکن. بگو: آقا من غلط کردم، مرا حلال کن. معذرت می‌خواهم، یک عذرخواهی کنید از کسی که از شما ناراحت است و از شما ظلم دیده. یک اشکی، یک نماز شبی.

خدایا اسرائیل را نابود کن. (الهی آمین) خدایا مؤمنین را پیروز کن. (الهی آمین)

در رمضان ۹۱ درباره‌ی مسائلی راجع به گناه، من پیش‌بینی می‌کردم سی تا بحث ولی شاید بالای هفتاد بحث دارد می‌شود. دیگر چون می‌خواهم ماه رمضان سفره را جمع کنم، خیلی فشرده می‌گویم.

به یک کسی گفتند: در دو ثانیه بگو: پدرت چطور مرد؟ گفت: دو ثانیه! گفت: تب کرد و لرز کرد و مرد! چون دو ثانیه بیشتر وقت نداشتم. حالا ماه رمضان تمام شده و حرف‌های ما مانده. به یک آقا گفتند: برو بالای منبر راجع به علی بن ابی طالب صحبت کن. گفت: چقدر وقت دارم؟ گفتند: نیم ساعت. گفت: نیم ساعت که نمی‌شود راجع به علی صحبت کرد. رفت بالای منبر گفت: علی بن ابی طالب علمی داشت، هو... تقوا... اوه... شجاعت، اوه... سخاوت، اوه... هی فوت کرد. گفتند: این چه سخنرانی بود؟ گفت: علی بزرگ بود. وقت من کم بود. بیشتر از فوت نمی‌شد. (خنده حضار)

حالا ما می‌خواهیم همه‌ی حرف‌هایمان را در این دو شب فشرده بگوییم. حالا تندتند می‌خوانم، چه کنم حیف است.

۲- نقش گناه والدین در فرزندان و نسل آنها

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». تذکرات: یک گناه می‌تواند یک نسلی را بدبخت کند. مثل پدر و مادر ما. آدم و حوا یک گناه کرد. از محیط رفاه خارج شد، همه ما به دردسر افتادیم. قرآن هم یک آیه دارد می‌گوید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲) یعنی کشتن یک نفر، کشتن یک نسل است. چون یک نفر می‌تواند سرچشمه‌ی یک نسل باشد. گناه را سبک نشماریم.

گاهی می‌گویند: توبه کردم. توبه گناه را می‌بخشد. اما اثر وضعی‌اش را دارد. کسی شراب خورده، بعد هم می‌گوید: بد کردم، خدایا ببخش. خیلی خوب، خدا گناه شراب خوردنت را می‌بخشد. اما بد مستی‌اش هست. توبه جلوی مستی را... بگویند... نمی‌گیرد. و لذا قرآن می‌گوید: «فَتَابَ عَلَيْهِ» (طه/۱۲۲) اما «اهْبِطًا» (طه/۱۲۳) دیگر جای شما در آن باغ نیست. ولو حالا شما را بخشیدم. این یعنی چه؟ یعنی گناه اثر وضعی‌اش را دارد.

گناه وقتی خطرناک است که سیره باشد. در قرآن معمولاً می‌گوید: «كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده/۷۹) «كَانُوا يَعْلَمُونَ» (بقره/۱۰۲) خیلی «کانوا، کانوا» در قرآن است. یعنی روشش این است. یک گناه قابل بخشیده شدن است. اما اگر کسی کارش این شد. ببین یکوقت یک کسی می‌زند یک نفر را می‌کشد. راننده خوابش برده یا پایش را به جای ترمز روی گاز گذاشته، ولی یک کسی آدم کش است. کارش این است. اگر کارش باشد دیگر مشکل است. سعی کنیم اگر گناه کردیم گناهکار نشویم. لغزشی بود. بله دلایلی بود من گول خوردم. معذرت می‌خواهم! این کاره نشویم.

۳- خطر عجب و غرور، در عبادات

مسأله‌ی دیگر اینکه گاهی وقت‌ها یک کاری را هم می‌کنیم. فکر می‌کنیم عبادت است. من یک ختم قرآن خواندم. من چقدر افطاری دادم. چقدر صدقه دادم. چقدر جهازیه دادم. چند بار، مکه، مشهد و عمره رفتم. چه و چه و چه... اما اینها به قیامت هم رفته یا نه؟ قرآن نمی‌گوید: «من عمل بالحسنة». کسی حسنه انجام بدهد، می‌گوید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» (انعام/۱۶۰) «جاء» یعنی حسنه‌اش را بردارد بیاورد. چون خیلی وقت‌ها یک عبادتی می‌کنی، اما منت می‌گذاریم، خراب می‌شود. غرور ما را

می‌گیرد، خراب می‌شود. عجب ما را می‌گیرد، خراب می‌شود. یعنی گاهی وقت‌ها ما عبادت می‌کنیم، اما این عبادت‌ها یا اولش با ریا خراب می‌شود، یا وسطش با عجب خراب می‌شود. یا آخرش یک گناهی می‌کنیم، حبط می‌شود. یک مثل هست می‌گویند: گاو نه من شیر می‌دهد ولی پایش را در این شیر می‌گذارد و خراب می‌شود. بنابراین باید مواظب باشیم بعضی گناه‌ها خوبی‌های ما را هم از بین می‌برد.

مسأله‌ی دیگر بعضی‌ها فکر می‌کنند زرنگ هستند، از دروغ، کم فروشی، رشوه، حقه‌بازی می‌خواهند پول گیر بیاورند. قرآن یک آب پاکی روی دست اینها ریخته و گفته: آقا جان، تو فکر نکن با گناه پولدار شدی. اگر گناه نمی‌کردی «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/۳) از جایی که فکر نمی‌کردی. کسانی که با برنامه‌ریزی طرح کلاهبرداری، رشوه، دروغ، گناه، کسانی که از راه حرام پولدار می‌شوند بدانند که از تقوا بیرون می‌روند، و کسی هم که از تقوا بیرون رفت، «يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» نیست. خدا در قرآن گفته اگر تقوا داشته باشی از راهی که پیش بینی نمی‌کردی من رزقت می‌دهم. اما اگر از گناه به گناه پریدی، آن سهم «لَا يَحْتَسِبُ» را از تو حذف می‌کنم. این هم یک مسأله‌ی مهمی است. هیچکس فکر نکند من یک دروغ گفتم، اینقدر گیر من آمد. یک کم فروشی، یک رشوه، یک حقه‌بازی کردم، یک زد و بندی کردم، فلان مبلغ گیر من آمد. بله قرآن گفته: فلان مبلغ گيرت آمد. اما اگر گناه نمی‌کردی، همین فلان مبلغ را از راه دیگر تأمین می‌کردم. این هم یک نکته.

۴- توجیه گناه، خطرناک‌تر از خود گناه

مسأله‌ی دیگر، یکی از چیزهای خیلی خطرناک توجیه گناه است. که انسان گناه کند، توجیه کند. با توجیه گناه، گناه از بین نمی‌رود. می‌گوید: خواهر و برادر هستیم. حالا خواهر و برادر هستید، می‌شود به هم نگاه کنید؟ پسر خاله و پسر عمو و پسر عمه هستیم. خوب یعنی دیگر محرم و نامحرم ندارد؟

شوخی کردم، حالا مثلاً شوخی کردی آبروی طرف نرفت؟ «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» (بقره/۲۷۵) قرآن می‌گوید: بیع مثل رباست. یعنی دیگر واقعاً مثل رباست، همینطور که گفتی این مسأله که گناه خودمان را توجیه نکنیم. یکی از کارهای خیلی خوب این است که آدم بگوید: خدایا من بد کردم. اشتباه کردم، مردم هم از کسی که بگوید: آقا اشتباه کردم، خوششان می‌آید. صاف حقش را بگو. لازم نیست حالا توجیه کنی.

مسأله‌ی دیگر اینکه در قرآن آیاتی داریم که می‌فرماید: «وَلَمْ يُصِرُّوا» (آل عمران/۱۳۵) اصرار نکنید. اصرار چیست؟ اصرار گناه این نیست که آدم مرتب گناه کند. اگر کسی یک گناه کند، اما به فکر عذرخواهی و توبه نباشد این هم اصرار است. حدیث این است، «أَنْ يُدْنِبَ الذَّنْبَ» یک گناه بیشتر نکرده، اما «فَلَا يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (کافی/ج ۲/ص ۲۸۸) عذرخواهی نمی‌کند از خدا. «وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِتَوْبَةٍ» هی هم به خودش نمی‌گوید: خیلی خوب، ما این خلاف را که کردیم باید جبران کنیم. اگر کسی خلاف کند، ولو یک خلاف، به فکر توبه نباشد، این هم اصرار است. آخر ما در قرآن داریم کسانی که اصرار به گناه نمی‌کنند، مورد لطف هستند. می‌گوییم: خوب ما که اصرار نمی‌کنیم. ما یک گناه بیشتر نکردیم. می‌گوید: بله، یک گناه کردی، اما یک گناهی که هیچ به فکر عذرخواهی نبودی. این هم یک نکته.

مطلب دیگر اینکه گناه در پیروزی هم اثر دارد. قرآن قصه‌ی طالوت و جالوت را که نقل می‌کند می‌گوید: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا» (آل عمران/۱۴۷) در جبهه می‌گفتند: خدایا گناهان ما را ببخش. پیداست اگر رزمنده اهل گناه باشد این گناهان ممکن است در شکست او بی‌اثر نباشد.

قرآن می‌گوید: بعضی‌ها از جبهه فرار می‌کنند. چرا؟ به خاطر اینکه یک گناهی کردند، شیطان با همین گناه دل آنها را خالی می‌کند. «تَوَلَّوْا» (آل عمران/۱۵۵) یعنی یا به فرار گذاشته در جبهه، از جنگ فرار کردند، چرا؟ «بِغَضِّ مَا كَسَبُوا» (آل عمران/۱۵۵) یک خلاف‌هایی کردند، آن خلاف جای یا برای شیطان است. معصیت کردند، جای پای معصیت‌کار شیطان آن قلاب معصیت را می‌گیرد می‌کشد و اینها را در دلشان را خالی می‌کند.

یکی از چیزهایی که در عفو است، استغفار است. «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» خدایا من را ببخش. راحت بگوییم: خدایا من را ببخش. و اگر مدینه رفتیم، زیارت پیغمبر رفتیم، یک آیه در قرآن داریم «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ» (نساء/۶۴) اگر افرادی گناه کردند، بعد رفتند زیارت قبر پیغمبر یا خود پیغمبر، خدمت پیغمبر رسیدند گفتند: آقا ما یک خلافتی کردیم، معذرت می‌خواهیم. پیغمبر هم در حقشان دعا کند، خدا اینها را می‌بخشد. یعنی استغفار و زیارت پیغمبر نقش دارد و نقش مهمی دارد. این هم یک مسأله.

۵- ترک مجلس گناه و عدم همنشینی با گنهکار

مسأله‌ی دیگر اینکه گاهی وقت‌ها می‌گوید: من که گناه نکردم. بله، شما گناه نکردی، ولی کافی نیست. باید جلسه‌ی گناه را هم به هم بزنی. گاهی افراد یک جایی می‌نشینند، این گناه نمی‌کند اما شما وظیفه‌ات این نیست که گناه نکردی، باید جلسه‌ی گناه را به هم بزنی. «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ» (نساء/۱۴۰) اگر بنشین، «إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ» کسی که گناه نکند اما در جلسه‌ی گناه بنشیند، یا باید جلسه را بر هم بزند، یا اگر بنشیند و جلسه را بر هم نزند این هم جزء گناهکارها حساب می‌شود. ولو گناه نکند. اینها همه آیه‌ی قرآن است. عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» با گناهکار نشین، «حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ» تا مسأله را عوض کنند. دارند یک کسی را مسخره می‌کنند. دارند آبروی کسی را می‌ریزند. جک می‌گویند، صفحه کوک کردند، جلسه‌ی خوش و بش است و دارند یک کسی را ضایع می‌کنند. نباید بنشین، باید بلند شوی بروی، باید جلسه را بر هم بزنی. سکوت جایز نیست. می‌گوید: اگر ساکت باشی، «إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ». تو هم قطعاً مثل آنها هستی. این هم یک نکته!

مسأله‌ی دیگر اینکه گناه آدم را به سمت فرهنگ جاهلی می‌برد. می‌گوید: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ» (مائده/۴۹) بسیاری از مردم، فاسق هستند گناه می‌کنند، بعد می‌گوید: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ» (مائده/۵۰) یعنی گناه آدم را به فرهنگ جاهلی، گناه اول گناه است، بعد برای آدم فرهنگ می‌شود. اول یک گناه است، بعد ذره ذره وقتی گناه شد فرهنگ می‌شود. یعنی اول سیگار یک سیگار است. بعد سیگار جزء خرجی‌ات می‌شود. می‌گویند: خرجی‌ات چقدر است؟ می‌گویند: اینقدر پول نان دارم، اینقدر پول جای دارم، اینقدر هم پول سیگارم می‌شود. یعنی دیگر سیگار می‌آید جزء متن زندگی‌اش. گناه انسان را به فرهنگ جاهلی سوق می‌دهد.

۶- رفاه گنهکار، کيفر و عقوبت الهی

مسأله‌ی دیگر؛ اگر کسی گناه می‌کند ولی زندگی‌اش مره‌ه است. می‌گوید: ما که هم گناه می‌کنیم، هم خوش هستیم. حدیث داریم «إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَ» (بخارالانوار/ج ۷۰/ص ۳۸۳) اگر خدای سبحان را دیدی «يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ» (بخارالانوار/ج ۷۰/ص ۳۸۳) اگر دیدی خدا تند تند به تو نعمت می‌دهد، «وَأَنْتَ نَعِصِيهِ» تو معصیت می‌کنی. تو خلافت‌کار هستی، اما زندگی، ۳۳ چشم زندگی روی تو باز است. همه چراغ‌ها سبز است، همه درها باز است. خوش خوش خوش! گناه

می‌کنی و خوش باشی، می‌گویی: معلوم می‌شود که برنامه‌ای خدا برای تو گذاشته است. چون خدا کسی را که دوست دارد، فوری حالش را می‌گیرد. اگر کسی هم گناه می‌کند، مرتب ربا بگیرد، مرتب کم فروشی می‌کند، مرتب رشوه می‌گیرد و هیچ زندگی‌اش هم لغو است. می‌گویی: دلت خوش نباشد. خدا یک تصمیم جدی برایت گرفته است. این هم یک هشدار است به گناهکارهایی که زندگی‌شان مرفه است. به ما هم هشدار است. می‌گویی: اگر دیدی یک کسی گناه می‌کند نگو: آقا چطور فلانی هم گناه می‌کند و هم خوش است؟ صبر کن، جوجه‌ها را باید آخر پاییز شمرد. شاه هم گناه می‌کرد و هم خوش بود. صبر کن گریه کنان از کشور فرار می‌کند. مرگ بر شاهی بگویند که شیرینی همه‌ی جاوید شاه‌ها از حلقومش بیرون برود. اگر دیدید کسی گناه می‌کند و خوش است هم خودش باورش نیاید و هم شما گول نخورید.

گاهی یک گناه ما، راه را برای نسل‌های آینده باز می‌کند. می‌گفتند: آخر چرا این خلاف را می‌کنی؟ می‌گفتند: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا» (زخرف/۲۲) پدران ما یک کاری کردند ما هم همان کار را می‌کنیم. هر میراث فرهنگی ارزش ندارد. هر آداب و رسومی... گاهی پدران ما غلط رفتند، ما نباید راهشان را برویم. اینکه می‌خوانم آیه‌ی قرآن است. می‌گویند: بابا این خلاف‌های را انجام ندهید. می‌گویند: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا» پدران ما این خلاف را انجام دادند، ما هم باید. یعنی باید مواظب باشیم که ما گاهی که گناه می‌کنیم شریک در گناهان نسل آینده هم هستیم.

۷- دوری از تمسخر مقدسات دینی

مسأله‌ی دیگر؛ عبادات خدا را مسخره نکنیم. قرآن می‌گوید: به بنی اسرائیل گفتیم بگویید: «عَفْوًا» یعنی خدایا ما را عفو کن، ببخش. «قُولُوا حِطَّةً» (بقره/۵۸) «حِطَّةً» یعنی «عَفْوًا» اینها مسخره کردند. گفتند: «حِطَّةً». چون «حِطَّةً» یعنی گندم. با «ط»! «حِطَّةً» هم با «ط» است. «ح» جیمی و «ط» دسته دار. «قُولُوا» بگویید «حِطَّةً» یعنی «عَفْوًا» اینها هم گفتند: «حِطَّةً». گندم! الفاظ را هم مسخره کردند. گاهی وقت‌ها جوک‌هایی را که درست می‌کنند، پایشان را در کفش قبر و قیامت و برای عزرائیل و برای جبرئیل و برای پیغمبر و بعضی پایشان را در کفش بزرگ‌ها هم می‌کنند، اینها خیلی خطرناک است. قرآن بخوانم. معلم قرآن هستم. «أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ» (توبه/۶۵) خدا و آیات خدا را مسخره کردی؟

چیزی که منسوب به خداست مقدس است. حتی شتر! یک شتر «نَاقَةُ اللَّهِ» (اعراف/۷۳) بود. یعنی با معجزه این شتر از کوه بیرون آمد. به حضرت صالح گفتند: اگر پیغمبر هستی الان از این کوه یک شتر بیرون بیاورد. ما ایمان می‌آوریم. معجزه‌ی پیغمبر، حضرت صالح این بود. یک شتر از کوه بیرون آمد. شد! قرآن به این می‌گوید: «نَاقَةُ اللَّهِ» یعنی این شتر با همه‌ی شترها فرق می‌کند. این شتر با اراده‌ی خاص خداست. «وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ» (اعراف/۷۳) به این شتر ضرر نزنید. شتر را کشتند، یک قومی به خاطر یک حیوان نابود شدند. یک قومی نابود شدند. یعنی چه؟ یعنی چیزی که منسوب به خداست، مسخره نکنید. شما می‌توانید پوست گاو را چرم کنید. چرم را هم کفش کنید، دائماً این کفش چرمی را روی خاک بمالید. اما اگر این چرم جلد قرآن شد، دیگر خواسته باشی قرآن را به خاک بمالی گناه است. بابا این قرآن چرم است، کفش من هم چرم است. بله! این چرم وصل به قرآن شد. شما این سنگ را می‌بری. بخشی از سنگ را در مستراح کار می‌گذاری و بخشی را در محراب مسجد. در مستراح می‌روند نجس می‌کنند، در مسجد اگر یک کسی هم نجس کرد شما واجب است بشویی. سنگ سنگ است، یک قطعه سنگ است، بریدیم. بخشی مستراح رفت، بخشی مسجد رفت. اگر چیزی رنگ الهی دارد، پیغمبر، امام، قرآن، نمی‌شود... کسی اگر می‌خواهد اینجا ادرار کند نباید رو به کعبه باشد. از اینجا تا کعبه چند هزار فرسخ راه است. اما ادب

اقتضاء می‌کند رو به کعبه حرام، پشت به کعبه حرام، «أ بِاللَّهِ...» باید مواظب باشیم در شوخی‌ها مقدسات را حریم نگه داریم. پایمان را در کفش مقدسات نکنیم. این هم یک مورد.

۸- خطر حيله و کلاه شرعی در احکام دینی

یکی دیگر اینکه گاهی با حيله می‌خواهیم کار را درست کنیم. یک کسی به یک نفر گفت: راضی نیستم خانه‌ی ما بیایی. این پشت پشت در خانه رفت. گفت: بابا وقتی می‌گویم: راضی نیستم. چه از جلو بیایی، چه... ماشین‌ها هم اینطوری است. گاهی وقت‌ها می‌گویند خیابان یک طرفه است. این راننده پشت پشت می‌رود. این فکر می‌کند وقتی پشت پشت می‌رود، حرام خدا حلال می‌شود.

به یهودی‌ها گفتند: شبیه ماهی نگیرید. ماهی‌ها هم فهمیده بودند. روز شبیه می‌آمدند ملق می‌زدند. این دهان یهودی‌ها پر از آب می‌شد. عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. «تَأْتِيهِمْ حِيَتَانِهِمْ» (اعراف/۱۶۳) ماهی‌ها می‌آمدند «يَوْمَ سَبْتِهِمْ» روزی که شبیه بود، ماهی‌ها می‌آمدند هی خودشان را نشان می‌دادند. روزی که «لَا يَسْتَبِشُونَ لَا تَأْتِيهِمْ» (اعراف/۱۶۳) روزی که شبیه نبود نمی‌آمدند. روز شبیه می‌آمدند. حالا امتحان خدا بود. ماهی‌ها یک شعوری داشتند. زمان‌ها را تشخیص داده بودند. آخر گاهی وقت‌ها حیوان‌ها هم یک شعوری دارند. می‌گفت: یک الاغی دارم، هر جا می‌کویدیم اش افسار می‌ساباند. گفتم: امروز یک جایی تو را می‌کویم میخ طویله را که نتواند. بردم یک زمین سفت پیدا کردم، این میخ طویله را تا آخرش کویدم. گفتم: می‌توانی بکنی حالا بکن. برگشتم دیدم کنده است. گفتم: این زمین خیلی سفت بود. بعد دیدم این الاغ با پایش دور این میخ را خاکی کرده، این میخ فواره شده، دور این میخ را با خاک جمع کرده که این میخ وسط این خاک‌ها باشد. بعد این الاغ خوابیده ادراک کرده. زمین خیس خورده و میخ را کنده است. عجب الاغ با شعوری است! به هر کس هم نمی‌شود گفت: فلانی مثل الاغ است. چون به بعضی از الاغ‌ها برمی‌خورد. (خنده حضار)

یک کسی می‌خواست یک آخوند را مسخره کند. گفت: آ شیخ! یک مسئله! دیدید که بعضی‌ها می‌خواهند یک کسی را مسخره کنند. گفت: بفرما! گفت: من روزه بودم یادم نبود یک کیلو غذا خوردم. گفت: یادت نبود روزه‌ات درست است. گفت: آ شیخ! مسئله! گفت: بفرما. گفت: یادم نبود، چند لیتر هم آب خوردم. گفت: یادت نبود روزه‌ات درست است. گفت: آ شیخ، مسئله! گفت: بفرما. گفت: یادم نبود با خانم هم خوابی کردیم. گفت: یادت نبود؟ گفت: نه، گفت: خوب روزه‌ات درست است. گفت: آ شیخ، مسئله! گفت: بگو. گفت: یادم نبود شیرجه رفتم و سرم هم زیر آب رفت. آ شیخ دید این دارد مسخره می‌کند. گفت: آقا، روزه‌ات درست است، ولی تو باید یک مدال راجع به خیریت بگیری. (خنده حضار) که اینقدر یادت نبود.

گاهی وقت‌ها نمی‌شود گفت فلانی مثل حیوان است. گاهی وقت‌ها حیوان‌ها یک شعوری دارند که... بعضی حیوان‌ها بار بار به منزل می‌رسانند، ولی ما چقدر ادم داریم که بار بار به منزل نمی‌رساند.

ماهی‌ها روز شبیه می‌آمدند ملق می‌زدند، دهان یهودی‌ها هم پر از آب می‌شد. روز یکشنبه خبری نبود. اینها آمدند کنار دریاچه، رودخانه، حوض درست کردند. حوض‌های متعدد، یک سوراخ به دریا کردند. این ماهی از این سوراخ در این حوض می‌آمد. تا در حوض می‌آمد، در سوراخ را می‌گرفت. این ماهی در این حوض گیر می‌کرد، صبح راحت می‌گرفت. قرآن می‌گوید: این حيله است. الآن هم یهودی‌ها این کار را می‌کنند. نمی‌دانم در تلویزیون گفتم یا جای دیگر. این را یک جایی گفتم.

آمریکا بودیم یک کسی از این ایرانی‌های آشنا گفت: برویم بگردیم. گفتیم: برویم بگردیم. ما را آورد بازار نیویورک، بازار قالی فروش‌ها! گفت: من اینجا مغازه دارم. یهودی‌ها روز شنبه گفتند: معامله نکنید. این یهودی کلید دکانش را به من می‌دهد، می‌گوید: مشتری که آمد دکان را باز کن برو قالی‌ها را به او نشان بده، قالی ابریشم و بعد بفروش، پولش را بگیر و یکشنبه پولش را به من بده. دکان را باز کن، قالی را هم بفروش. منتهی پولش را یکشنبه به من بده. حقه‌بازی نمی‌شود کرد. خیلی وقت‌ها افرادی ربا می‌خورند با حقه‌بازی. کلک نزنیم.

گناه آدم را احاطه می‌کند. «أَحَاطَتْ بِهِ حَاطَتُهُ» (بقره/۸۱) آیه هم داریم «إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ» (توبه/۴۹)، «أَحَاطَتْ» «مُحِيطَةٌ». اگر جهنم احاطه دارد به خاطر این است که گناه ما را احاطه کرده است. ولذا در دعای جوشن شب قدر می‌گوییم: «خَلَصْنَا مِنَ النَّارِ...» خالصنا یعنی چه؟ یعنی در جهنم هستیم، خلاصم کن. یا در نیمه‌ی ماه رمضان می‌گوییم: «اجرنا من النار یا مجیر»، «اجرنا»، «خالصنا» یعنی الآن هم با آن چشم واقعی کسی که گناه بر فکر و چشمش، اصلاً فکرش الهی نیست. نگاه‌هایش الهی نیست. نیتش الهی نیست. کسی که الهی نیست، از مرز الهی بیرون رفته. «أَحَاطَتْ بِهِ حَاطَتُهُ» خطا او را احاطه کرده، قرآن هم می‌گوید: «إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ». خوب وقت تمام شد.

آخرین چیزی که در این جلسه بگویم این است که بعضی از گناه‌ها را شما عذرخواهی کنی خدا می‌بخشد. بعضی گناه‌ها را دیگران در حق شما دعا کنند، پیغمبر دعا کند خدا می‌بخشد. یک گناه در قرآن است می‌گوید: پیغمبر، هفتاد بار هم در حق اینها دعا کنی من اینها را نمی‌بخشم. سؤال: چه گناهی است که اگر شما استغفار کنی خدا نمی‌بخشد؟ هفتاد بار هم پیغمبر در حق شما دعا کند، خدا شما را نمی‌بخشد. این چه گناهی است؟ گناه مسخره... یک مؤمن را مسخره کنی. اگر یک مؤمنی را مسخره کنی، گناه مسخره را نه خدا می‌بخشد و نه پیغمبر هم استغفار کند خدا می‌بخشد. مواظب باشیم کسی را مسخره نکنیم. مسخره گناه خیلی... «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (همزه/۱) مسخره است. «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (حجرات/۱۱) یک کسی چند تا خرما آورد کمک به جبهه کند، پولدارها خندیدند. هه.. هه... چته؟ سه تا خرما آورده کمک به جبهه کند! آیه نازل شد. «يَسْخَرُونَ» مسخره کردی به خاطر اینکه سه تا خرما آورده؟ «لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ» (توبه/۷۹) این بیش از سه تا خرما نداشت. تو چه حقی داشتی او را مسخره کردی؟ این سه تا خرما قبول است ولی چک صد میلیونی شما قبول نیست. یک وقت یک کسی مسخره نکند. آقا، خانم آمده ۵ تومان آورده برای ساخت مسجد. تو چه می‌دانی؟ یکوقت می‌بینی این پنج تومان قبول شد، این پنج میلیون شما قبول نشد. هیچکس مؤمنی را به خاطر کارش مسخره نکند.

خدایا هر گناهی را که ما انجام دادیم، تا ماه رمضان تمام نشده به آبروی اولیائت همه‌ی گناهان ما را ببخش و بیامرز. تذکراتی بود راجع به گناه.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»